

تحلیل سیره عملی عالمان دینی در پرورش نخبگان حوزه های علمیه

کوثر شعبانی*

چکیده

نخبه به معنای جدا کردن و برگزیدن و حوزه علمیه، مراکز تحصیل و آموزش علوم دینی در میان شیعیان است که گنجینه احادیث معصومین (علیهم السلام)، را در اختیار دارد. نخبگان حوزه های علمیه مبلغان مکتب اهل بیت و نگهبانان مذهب تشیع هستند. پرورش این نخبگان حاصل تلاش های عملی عالمان دینی بزرگی است که عمر خود را وقف این راه کرده اند. جریان نخبه پروری در حوزه های علمیه نباید متوقف شود و سیره عملی عالمان دینی در این زمینه باید الگوی حوزویان باشد. ضرورت دارد سیره ی عملی علمای بزرگ در پرورش شاگردان نخبه بررسی شود تا این سیره بتواند پایه گذار روش تازه در پرورش نخبگان حوزه های علمیه باشد. سؤال مقاله این است که سیره عملی عالمان دینی در پرورش نخبگان حوزه های علمیه چگونه تحلیل می شود؟ هدف مقاله آن است که با ارائه ی سیره عملی عالمان دینی در پرورش نخبگان حوزه های علمیه به اساتید نسل جدید، زمینه تربیت علمی و اخلاقی شاگردان فراهم شود. مقاله به شیوه توصیفی و مطالعه کتابخانه ای انجام شد و در پایان بررسی ها نشان داد سیره تربیتی علمای دینی در پرورش نخبگان؛ اصلاح نظام فکری شاگردان، آزاداندیشی، تشویق و تحسین، توجه به تحولات زمانی و توجه به تربیت معنوی و سیره علمی علمای دینی در پرورش نخبگان؛ توجه به دانش های مورد نیاز جدید، خودالگویی علمی، ایجاد روحیه تحقیق و پژوهش و توجه به عقلانیت و سیره اخلاقی علمای دینی در پرورش نخبگان؛ احترام به استاد، پرهیز از القای خرافات و اوهام و تأثیرگذاری مطلوب، است.

کلید واژه ها: سیره، عالمان دینی، حوزه علمیه، نخبگان، پرورش.

* طلبه سطح دو، مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)، اسلام آباد غرب، kosarshabanikhoda81@gmail.com

حوزه های علمیه از دیرباز وظیفه ی تربیت عالمان دینی و مبلغان دین اسلام را برعهده داشته اند و در طول حیات بیش از هزار ساله ی تاریخ تشیع، علمای بنام و بزرگ و اثرگذاری را برای حفظ مکتب اهل بیت و مذهب تشیع و گسترش آن تربیت کرده اند. ساختن نسلی پویا، توانمند و مجهز به عشق و ایمان، نیازمند پرورش نخبگانی توانمند است که به علم و اخلاق مجهز باشند و بتوانند تکلیف تبلیغ و صیانت از دین اسلام را به خوبی انجام دهند. بار اصلی این امر بر دوش عالمانی است که همه عمر گرانبهای خود را خالصانه به تحصیل و تهذیب مشغول بوده و شاگردانی نخبه و توانمند و مجهز به اخلاق و معنویت اسلامی کرده و می کنند.

بیان مسأله

نخبگان حوزه های علمیه بزرگترین مبلغان مکتب اهل بیت و مهم ترین نگهبانان مذهب تشیع هستند. پرورش این نخبگان حاصل تلاش های شبانه روزی و بی پایان عالمان دینی بزرگی است که عمر خود را در این راه وقف کرده اند. جریان نخبه پروری در حوزه های علمیه نباید متوقف شود و سیره عالمان دینی در این زمینه باید همواره الگوی حوزویان باشد. نگاهی به سیره ی عالمان دینی در زمینه ی پرورش شاگردان نخبه، ما را با اهمیت و سختی های کار آنها آشنا می کند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت این بحث نخبه پروری در حوزه های علمیه آنجاست که برخی از اساتید تنها بر حفظیات و انتقال تخصص نظری علمی به شاگرد خود قانع هستند. در حالی که این کار، آثار و تبعات منفی به دنبال دارد؛ به گونه ای که می توان نمونه هایی از آثار این روش آموزشی را در برخی طلاب امروزی به وضوح مشاهده کرد. ظهور طلابی که نه تنها به مسائل جامعه اسلامی اشراف ندارند که گاهی همسو با دشمنان اسلام و انقلاب به شبهات دامن می زنند و سبب تشویش اذهان عمومی هم می شوند. بنابراین ضرورت دارد به سیره ی علمای بزرگ مراجعه کرد و سیره ی علمی، اخلاقی و تربیتی آنها در پرورش شاگردان به ویژه افراد نخبه را مورد بررسی قرار داد تا این سیره بتواند پایه گذار روش تازه در پرورش نخبگان حوزه های علمیه باشد.

سؤالات

سؤال اصلی این است که سیره عالمان دینی در پرورش نخبگان حوزه های علمیه چگونه تحلیل می شود؟ و سؤالات فرعی در این باره مطرح است: ۱- مفهوم سیره، نخبه و حوزه علمیه چیست؟ ۲- عالمان دینی چه جایگاهی در جامعه دارند؟ ۳- سیره تربیتی عالمان دینی در پرورش نخبگان حوزه های علمیه چگونه بود؟ ۴- سیره علمی عالمان دینی در پرورش نخبگان حوزه های علمیه چگونه بود؟ ۵- سیره اخلاقی عالمان دینی در پرورش نخبگان حوزه های علمیه چگونه بود؟

هدف

هدف انجام این مقاله آن است که با مطالعه و شناخت سیره عالمان دینی در پرورش نخبگان حوزه های علمیه و تحلیل و ارائه آن به اساتید نسل جدید، زمینه تربیت کامل شاگردان در دو بُعد علمی و اخلاقی، فراهم شود. زیرا این دو بُعد مکمل یکدیگر و به عنوان دو بال برای پرواز یک طلبه به شمار می آیند.

پیشینه تحقیق

درباره ی سیره ی علمی، اخلاقی و تربیتی علمای دینی و شاگردپروری آنها آثاری پدید آمده است مثل: کتاب سیمای فرزندگان نوشته ی رضا مختاری که به طور کلی به سلوک علما پرداخته، مقاله ی بازشناسی مؤلفه های شاگردپروری در تربیت اسلامی با تکیه بر سلوک معلمی شهید ثانی و فیض کاشانی نوشته ی جابر افتخاری و محمدحسین حیدری که تنها سیره ی شاگرد پروری شهید ثانی و فیض کاشانی را بررسی کرده، مقاله ی مؤلفه های تربیت علمی و اخلاقی در شاگردپروری «بانو امین» نوشته ی مریم رضازاده، زهره مراد نجف آبادی و اباذر کافی موسوی که تنها به سیره ی بانو امین نظر داشته است و این آثار بیشتر به سیره یک عالم پرداخته اند اما این مقاله در نظر دارد سیره عملی علمای دینی در پرورش نخبگان حوزه های علمیه را بررسی کند و تنها یک عالم دینی را مدنظر ندارد.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- نخبه

معنی لغوی

کلمه نخبه، واژه‌ای عربی و از ریشه‌ی (نَخَبَ) و از نظر لغوی به معنای: جدا کردن و برگزیدن، جدا و گزینش شده است. «انتخاب» هم از همین ریشه است (مهمی، ۱۳۷۷، ص ۲۵). از معانی دیگر آن به اختیار کردن اشاره شده است (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۳۱). که در مجموع می‌توان از دو مؤلفه «برگزیدگی» و «ممتاز بودن» را به عنوان دو شاخصه اصلی این کلمه نام برد (صدری، ۱۳۷۷، ص ۷۶۹).

معنی اصطلاحی

در تعریف دینی، نخبه این‌گونه تعریف می‌شود: «انسان‌های عادی و معمولی که آیین‌های فطرت خویش را با زنگار هوا و هوس کدر نکرده‌اند و دیده‌ی حق بین آنها باز است، حقایق را می‌نگرند و از گردنه‌های صعب العبور کمال گذشته و راه یافتگان در مسیر حق شده‌اند. از عوالم ماده تنها به عنوان رسیدن به مقصد استفاده کرده‌اند و دنیا را وسیله‌ای پنداشتند نه هدف. می‌توانیم بگوییم اینها هم نخبگان واقعی بشریت‌اند» (مشایخی، ۱۳۸۷، ص ۲۰)

۱-۲- سیره

معنی لغوی

«سیره» بر وزن «فعله» که در زبان عربی بر نوع و کیفیت عمل دلالت می‌کند از «سیر» به معنای رفتن، سیر کردن در زمین در روز یا شب، حرکت کردن، گذشتن و عبور کردن می‌آید (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۴۵۳)

معنی اصطلاحی

سیره در اصطلاح عبارت است از بنای عملی انسان‌ها در طول تاریخ بر انجام کاری و یا ترک آن (قلی‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۲۰). به عبارت دیگر سیره به معنای استمرار روش و شیوه مستمر عملی در میان مردم بر انجام کاری و یا ترک عملی است (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۱۵۳).

۱-۳- حوزه علمیه

معنی لغوی

حوزه کلمه‌ای عربی است که در فارسی به ناحیه، مکان، مجتمع، ثقل معنا شده است. (شورای نویسندگان، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۵۴۹).

معنی اصطلاحی

حوزه یا حوزه علمیه، «اصطلاحی رایج در جهان اسلام به خصوص نزد شیعیان و مراکز تحصیل علوم دینی و به اصطلاح، دانشگاهی برای فراگیری و آموزش علوم دینی است که گنجینه به یادگار مانده از احادیث خاندان نبوت و ائمه اطهار (علیهم السلام)، را در اختیار داشته و فرهنگ بی نظیری را در همه زمینه‌های علمی، دینی، و بعضاً سیاسی، از خود به یادگار گذاشته است» (شورای نویسندگان، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۵۴۹).

۱-۴- عالمان دینی

معنی لغوی

عالم اسم فاعل از علم است و علم به معنی درک کردن حقیقت چیزی، شناخت و دانش آمده است و عالم معنی دانشمند، خردمند، (لاروس، ذیل واژه عالم) دانا کسی که در او دانش باشد (دهخدا، ۱۳۴۶، ج ۱۱، ذیل واژه) است

معنی اصطلاحی

«واژه عالم بر یک مفهوم انتزاعی و جامع دلالت دارد یعنی دانش به طور کلی و نه به صورت تفکیک شده آن و مفهوم علم به معنای تخصص‌های علمی مختلف پس از تماس اندیشه اسلامی با مناطق و اندیشه‌های جدید شکل گرفت» (رک: جعفریان، ۱۳۹۸، ص ۷۱۱)

۲- جایگاه عالمان دینی در جامعه

در جامعه‌ی اسلامی، که مناصب اجتماعی آن با معیار دینی تعریف شده و نیز میزان اختیارات و محدوده‌ی وظیفه‌مندی هر عنصر اجتماعی‌اش با موازین شرع معین می‌شود، این جایگاه اجتماعی برای نخبه‌ی دینی

کنند، فقه رایج را می شناسند و حداکثر اندکی اخلاق را درک کرده‌اند. اما افرادی که کتب عرفانی را مطالعه کرده و فهمیده باشند، خیلی کم هستند (قطبی، ۱۳۹۶، ص ۶).

ج) تأثیرگذاری مطلوب

همانگونه که آیات قرآنی در شنونده تأثیر می گذارد مطالب اخلاقی نیز باید چنین باشد. قرآن در آیات گوناگون بر ویژگی تأثیرگذاری خود تکیه می کند و آن را اعلان می دارد: «واذا تلّیت علیهم آیاتہ ایماناً و علی ربہم یتوکلون ؛ و چون آیات قرآن را برایشان بخوانند بر ایمانشان افزوده شود و به خدای خویش توکل کنند.» (انفال / ۱۲)

مردم با شنیدن آیات به سجده می افتادند تسبیح و تقدیس خدا می کردند گریه کنان بر زمین چهره می سائیدند و از خشوع و نرم دلی سرشار می شدند. بنابراین پیام اخلاقی نیز باید چونان سرچشمه خود (قرآن) دارای چنین تأثیر و قدرتی باشد که حال شنونده پس از شنیدن غیراز حال او پیش از شنیدن باشد.

در تاریخ حوزه‌های علمیه نیز درس‌هایی منشا برکت بوده واز خود نام و آوازه‌ای بجای گذاشته اند که از ویژگی تأثیرگذاری برخوردار بوده اند. مرحوم مطهری از یکی از اساتید خود چنین یاد می کند: «... درک محضراو را میرزا علی آقای شیرازی همواره یکی از ذخایر گرانبهای عمرم که حاضر نیستم با هیچ چیز معاوضه کنم می شمارم و شب و روزی نیست که خاطره اش در نظرم مجسم نگردد ... او بحقیقت یک عالم ربانی بود ... سخن دل را از صاحب دلی شنیدن تأثیر و جاذبه و کشش دیگری دارد ... مواعظ و اندرزهایش از جان برون می آمد لاجرم بر دل می نشست»... (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۵۲).

نتیجه گیری

مهمترین نتایج به دست آمده از این مقاله عبارتند از:

۱- حوزه علمیه، اصطلاحی رایج در جهان اسلام به خصوص نزد شیعیان است و به مراکز تحصیل علوم دینی گفته می شود که گنجینه ای از احادیث معصومین (علیهم السلام)، را در اختیار داشته و فرهنگ بی نظیری را در زمینه های علمی، دینی و بعضاً سیاسی، از خود به یادگار گذاشته است.

۲- در جامعه ی اسلامی، مناصب اجتماعی با معیار دینی تعریف شده و میزان اختیارات و محدوده وظیفه مندی هر فرد با موازین شرع تعیین می شود که در این جامعه، عالمان دینی وظیفه ی تربیت دینی را بر عهده دارند. این منصب اجتماعی ساخته و پرداخته ادله دینی اسلام است تا مردم برای حل و فصل مسائل دینیشان به عالمان دینی رجوع کرده و عملاً «تربیت دینی» در جامعه شکل گیرد.

۳- بزرگترین وظیفه ی عالمان دینی پس از تربیت دینی جامعه ی اسلامی، پرورش نخبگانی است که حافظ روایات معصومین (علیهم السلام) و نگهبان شریعت اسلامی باشند و این میراث گرانبهای اسلام را در طول نسل های متمادی نشر دهند. بررسی سیره ی عملی عالمان دینی در پرورش نخبگان حوزه های علمیه، نشان می دهد ایشان در سه سطح به این وظیفه ی مهم خود می پرداختند: تربیتی، علمی و اخلاقی.

۴- بررسی سیره ی تربیتی عالمان دینی نشان می دهد که ایشان برای پرورش تربیتی نخبگان حوزه های علمیه؛ به اصلاح نظام فکری شاگردان و پرورش آزاداندیشی در آنان، تشویق و تحسین به کسب علم و دانش، توجه به تحولات زمانی و نیازهای آینده جامعه برای عکس العمل مناسب به آنها و همچنین توجه به تربیت معنوی و خودسازی شاگردان همت می گماردند. بررسی سیره علمی عالمان دینی نشان داد ایشان برای تربیت علمی نخبگان، به دانش های مورد نیاز جدید، ایجاد روحیه تحقیق و پژوهش در شاگرد و عقلانیت توجه داشتند و خود الگوی علمی خوبی برای شاگردان بودند. همچنین در سیره اخلاقی ایشان، توجه به، ترویج احترام به استاد، پرهیز از القای خرافات و اوهام و ایجاد اثرگذاری مطلوب، دیده می شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

* نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷)، النهایه فی غریب الحدیث والأثر، تصحیح محمود محمد طنحی، قم، اسماعیلیان، چ چهارم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار صار، چاپ سوم.
۳. اسلامیت، مرضیه. (۱۳۸۹)، بانو امین و تفسیر مخزن العرفان، تهران، خانه کتاب.
۴. اعرافی، علیرضا. حسین پناه، ع. (۱۳۹۳)، نقش نخبگان دینی در تربیت دینی، شماره اول.
۵. پارسانیا، حمید. (۱۳۸۹)، حدیث پیمانه، قم، نشر معارف.
۶. پارسانیا، حمید. (۱۳۹۵)، اخلاق و عرفان، قم، کتاب فردا.
۷. افتخاری، جابر. حیدری، محمدحسن. (۱۴۰۲)، بازشناسی مؤلفه‌های شاگردپروری در تربیت اسلامی با تکیه بر سلوک معلمی شهید ثانی و فیض کاشانی، شماره ۱۶.
۸. جر، خلیل. (۱۳۹۳)، فرهنگ لاروس، تهران، امیرکبیر.
۹. جعفریان، رسول (۱۳۹۸)، سیر تحول مفهوم علم در متون حدیثی، ادبی، کلامی و فلسفی، قم، نشر مورخ.
۱۰. حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۷۹)، در آسمان معرفت، بی جا، انتشارات تشیع.
۱۱. حسینی تهرانی، سید محمدحسین. (۱۴۱۸ق)، رساله سیر و سلوک (تحفه الملوک) بحر العلوم، مشهد، علامه طباطبایی.
۱۲. حوزه علمیه در اندیشه شهید صدر، کنگره بین المللی آیة الله العظمی شهید صدر، سایت اینترنتی شهید صدر
۱۳. خانی، ابراهیم. (۱۴۰۲)، جایگاه و نقش علامه طباطبایی در ساخت تمدن نوین اسلامی، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، شماره ۳.
۱۴. خوانساری، محمدباقر. (۱۳۹۰)، روضات الجنات، قم، اسماعیلیان.
۱۵. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۶)، فرهنگ دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.

۱۶. رضازاده، مریم. و دیگران (۱۳۹۹)، مؤلفه‌های تربیت علمی و اخلاقی در شاگردپروری «بانو امین»، دوفصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، شماره ۱۵.
۱۷. شعبانی، حسن. (۱۳۸۲)، مهارت‌های آموزش و پرورش، تهران، سمت
۱۸. شکوهی یکتا، محسن. (۱۳۷۰)، تعلیم و تربیت اسلامی، (مبانی و روش‌ها)، تهران، دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف کتب درسی آموزش و پرورش.
۱۹. شورای نویسندگان، زیر نظر آقایان، حاج سید جوادی، خرمشاهی، اشکوری، کامران خانی (۱۳۸۸)، دایره المعارف تشیع، چاپ دوم، تهران، نشر حجتی.
۲۰. شیرخانی، علی، (۱۳۸۴)، تحولات حوزه علمیه قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۱. صدری افشاری، غلامحسین. و همکاران. (۱۳۷۷)، فرهنگ فارسی امروز، تهران، کلمه، سوم.
۲۲. صمدی، معصومه. دواپی م مهدی. و اقبالیان، طاهره. (۱۳۹۱)، مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) اهل بیت (ع)، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۱۶.
۲۳. طوسی، نصیرالدین، (بی تا)، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی، بی جا، بی نا.
۲۴. عباسی مقدم، مصطفی. (۱۳۷۱)، نقش اسوه‌ها در تبلیغ، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۵. قزوینی، محمدکاظم. (۱۴۱۴)، موسوعه الامام الصادق، قم، انتشارات نویسنده
۲۶. قطبی، محمد. (۱۳۹۶). راهکارها و مدل‌های توسعه‌ی معنویت اسلامی، www.balagh.ir
۲۷. قلی زاده، احمد. (۱۳۷۹)، واژه‌شناسی اصطلاحات اصول فقه، تهران، بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی نورالاصفیاء.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ ق)، اصول کافی، قم، دارالحديث.
۲۹. محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۸۱)، جایگاه عالم دینی در جامعه دینی، سروش اندیشه، شماره ۳ و ۴.
۳۰. مختاری، رضا، سیمای فرزندگان، قم، بوستان کتاب.
۳۱. مشایخی، قدرت الله. (۱۳۸۷)، شیوه‌نخبگی، قم انصاریان.
۳۲. مصباح یزدی، محمدتقی. (بی تا)، نقش علامه طباطبایی در معارف اسلامی، قم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۳۳. مصباح، محمد تقی. (۱۳۷۶)، مسائلی پیرامون حوزه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶)، سیری در نهج البلاغه صدررا.
۳۵. مظاهری سیف، حمیدرضا. شریف دوست، حمزه. (۱۳۹۱)، آسیب شناسی معنویت‌های نوظهور، صهبای یقین.
۳۶. مظفر، محمدرضا. (۱۴۳۰)، اصول فقه مظفر، قم، نشر اسلامی.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۸ ق)، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه علی بن ابی طالب.
۳۸. موسوی خمینی روح الله. (۱۳۷۴)، منشور روحانیت در: صحیفه امام قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۹. مهیمنی، محمدعلی. (۱۳۷۷)، نخبه شناسی در جامعه شناسی، تهران، ثالث.
۴۰. هدایت پناه، محمدرضا؛ پیوندی بلدی، محمدرضا. (۱۴۰۱)، الزامات، اصول و روش های اخلاقی و آموزشی شاگردپروری از دیدگاه امام صادق، علم و تمدن در اسلام، شماره چهاردهم.
۴۱. همایونی، علویه. (۱۳۹۲)، زندگانی بانوی ایرانی، اصفهان، گلبهار.